

دختران طبقه متوسط به امید سفر خارج و خانه بزرگ‌تر با پسرهایی از خانواده‌های متمول ازدواج می‌کنند و پسرانی به دنبال خانواده‌های پولدار می‌گردند.

دختران امیدوارند ازدواج سفید به دائم تبدیل شود؛



«علیرضا شریفی یزدی» جامعه‌شناس و روانشناس اجتماعی در واکنش به خبری مبنی بر اینکه در تهران از هر دو ازدواج یک مورد به طلاق می‌انجامد گفت:

عوامل ایجاد کننده پدیده طلاق در کشور یکسان نیست و نمی‌توان با یک تحلیل ساده همه عوامل موضوع طلاق در کشور را مورد مطالعه قرار داد. آنچه که مسلم است در تحلیل پدیده طلاق حتما باید به قشربندی اجتماعی توجه کنیم. بر اساس مطالعاتی که در داخل کشور انجام شده از هر دو ازدواج در تهران یک مورد به طلاق منجر می‌شود و این آمار متعلق به مناطق مرفه و بالای شهر تهران مانند مناطق یک و سه است.

به گزارش اسپادانا خبر و به نقل از ایلنا، وی ادامه داد:

این تحقیقات مطالعاتی در مناطق مرفه‌نشین تهران، جهان‌شهر و عظیمه کرج انجام شده که آمارشان نزدیک به هم است. بر اساس این تحقیقات اگر بخواهیم به صورت قشربندی اجتماعی این پدیده را تحلیل کنیم باید بگوییم در بین لایه‌های بالای جامعه به اصطلاح طبقه فرادست جامعه ایران مقوله طلاق عمدتاً به سبک زندگی باز می‌گردد که افراد یک سبک زندگی خاص را برای خود تعریف می‌کنند که به راحتی قابل پیش بینی است که این سبک زندگی در نهایت منتج به طلاق خواهد شد یا در بین این طبقه بیشتر مساله طلاق صورت می‌گیرد و عمدتاً طلاق‌ها در بین گروه‌هایی از جامعه رخ می‌دهد.

وی افزود:

دختران طبقه متوسط به امید زندگی بهتر اقتصادی، دسترسی به امکانات بیشتر، سفر خارج، خانه بزرگتر، موقعیت بهتر، ماشین بهتر و بر اساس یک سری قاعده‌ها با پسرهایی که از خانواده‌های متمول و پولدار هستند، ازدواج می‌کنند و متأسفانه آیت‌های دیگری که برای یک ازدواج پایدار وجود دارد را در نظر نمی‌گیرند. برخی دختران وقتی پسری از یک خانواده پولدار پیدا می‌شود از طریق دوستی با او ازدواج می‌کنند اما مسئله اینجاست این دختران، رفتارهای غلطی که در دوران دوستی و نامزدی می‌بینند به دلیل دستیابی به امکانات اقتصادی و موقعیت اجتماعی بالاتر نادیده می‌گیرند به این امید که این چالش‌ها پس از ازدواج درست می‌شود اما وقتی می‌بینند موفق نمی‌شوند و شرایط آن گونه که امیدوار بودند، پیش نمی‌رود و بعد از مدتی هم آن جذابیت‌ها و نیت‌های اقتصادی و اجتماعی رنگ می‌بازد، زندگی‌شان به سمت طلاق و جدایی می‌رود که متأسفانه گاهی فرزندی هم در این وسط وجود دارد که آسیب‌های خاص خودش را دارد.

این جامعه‌شناس با تأکید بر اینکه معکوس این قضیه کمتر است اما وجود دارد گفت:

پسرانی هم هستند که به دنبال خانواده‌های پولدار می‌گردند تا با دخترخانم‌هایی ازدواج کنند که پدرشان امکانات مالی خوبی دارد اما بعد از مدتی می‌بینیم که در آن فضا هضم نمی‌شود و دیگر نمی‌تواند نیازهای خانم را با استانداردهایی که پدرش برایش در نظر گرفته پاسخ دهد و موجب اختلاف و درگیری می‌شود که طبیعتاً این زندگی به سمت طلاق کشیده می‌شود. وقتی این سبک ازدواج‌ها اتفاق می‌افتد، نتیجه‌اش این می‌شود که بعد از مدتی جذابیت‌های محیطی برای فرد کنار می‌رود و دیگر او نیازمند مهر و محبت از طرف همسر می‌شود اما چون آن را دریافت نمی‌کند، ازدواج به سمت طلاق عاطفی و طلاق جنسی

کشیده می‌شود؛ برخی به خاطر امکانات اقتصادی و موقعیت اجتماعی این فضا را پذیرا می‌شوند و می‌مانند و برخی به سمت طلاق می‌روند، یعنی برخی در طلاق عاطفی گیر می‌کنند و عده‌ای به سمت طلاق رسمی می‌روند.

وی افزود:

طی سه دهه اخیر به دلیل فضای رانتهی که در کشور وجود داشته است بخشی از افراد در مناطق یک و مرفه تهران حضور یافته‌اند که وابستگی‌ها یا ارتباطاتی با افراد صاحب نفوذ دارند و جایگاهی برای خود کسب کرده‌اند. در واقع این‌ها مهاجرین منطقه یک هستند و عمدتاً هم اینگونه نبوده که گذشتگان آن‌ها افراد پولداری باشند بلکه به خاطر زد و بندهایی یک شبه پولدار شده‌اند. این‌ها چندان اجازه طلاق رسمی را شاید به فرزندان‌شان نمی‌دهند و آن هم یک بحثی از طلاق است. یعنی ما وقتی می‌گوییم از دو ازدواجی که به طلاق منجر می‌شود، صرفاً منظور طلاق رسمی است و اگر طلاق عاطفی را در نظر بگیریم آمار بسیار متفاوت خواهد بود. یکی دیگر از عواملی که در بین این قشر از جامعه زیاد است، متأسفانه معاشرت‌های نامتعارف و غیراخلاقی است که بعد از ازدواج به سان قبل از ازدواج ادامه دارد یعنی پارتی‌های مختلف، استخر پارتی، دنس‌های شبانه، استفاده از مواد روانگردان و مواد مخدر، استفاده بی‌حد و حصر از الکل و... همه این‌ها وقتی دست به دست هم می‌دهد، موجبات طلاق را فراهم می‌کند. همچنین یکی از مهمترین عوامل طلاق پدیده روابط موازی است. روابطی که حالا هر کدام از طرفین به دلیل اینکه به اندازه کافی مورد توجه طرف مقابل نیست یا در زمان ازدواج به شیوه زندگی قبلی فرد، دقت نکرده‌اند، وجود دارد. متأسفانه این هم یکی از مواردی است که بسیار سریع فاش می‌شود و زمینه اختلافات سنگین و سپس طلاق را فراهم می‌کند. در این میان برخی خانم‌های طبقه میان‌دست جامعه که با یک آدمی از طبقه فرادست جامعه ازدواج می‌کنند، بسیار سریع علاقه دارند که فرزندآوری داشته باشند، به خاطر اینکه بنیان‌های خانواده را قوی کنند و از نظر اقتصادی این نوه یک کانالی برای جذب سرمایه افرادی است مانند پدر بزرگ و مادر بزرگ و یا هر کس دیگری که فرزند متمولی را داشته باشد. معمولاً در سال‌های اول، دوم و سوم ازدواج به خصوص در طبقه بالای جامعه چندان گرایش به فرزندآوری در آقایان وجود ندارد اما فردی که دلیل اصلی ازدواج خود را مسائل اقتصادی قرار داده، علاقه به فرزندآوری دارد البته باید اشاره کرد که این روزها جوان‌ها چندان زیر بار اینکه خانواده‌ها برای‌شان تعیین کنند که حتماً از یک قشر مرفه دیگر همسطح خودشان همسرگزینی داشته باشند، نمی‌روند. در ازدواج قشر مرفه معمولاً مطالعات اکتشافی می‌گوید زوجین سه سال یا پس از آن دارای فرزند می‌شوند و بیشتر علاقه‌مند به تک فرزند هستند نه اینکه فرزند نداشته باشند.

شریفی یزدی در خصوص عوامل گرایش جوانان به ازدواج سفید گفت:

اگر به تجربه فردی استناد کنم به‌طور متوسط از هر ۵۰ پرونده زوجین که مراجعه می‌کنند، متأسفانه یک یا دو مورد از آن‌ها در تهران ازدواج‌شان، ازدواج سفید است. آمارها حاکی از افزایش پدیده ازدواج سفید در کلان‌شهرهایی مانند تهران دارد که به سرعت رشد کرده به خصوص از سال ۹۷ به بعد، میزان آن در کشور به ویژه در کلانشهرها افزایش یافته است.

وی با بیان اینکه اصلی‌ترین عامل گرایش جوانان به پدیده ازدواج سفید مسئله اقتصاد است، گفت:

در کنار آن عوامل دیگری هم وجود دارد از جمله مسئولیت‌ناپذیری مردها، مهریه‌های سنگین، هزینه‌های سنگین ازدواج، خواستگاری و مراسم عروسی. دلیل اصلی خانم‌ها برای ورود به ازدواج سفید عمدتاً این است که به امید این هستند که پس از مدتی ازدواج سفید به یک ازدواج دائم تبدیل شود که در اکثر موارد متأسفانه اینگونه نمی‌شود.

وی تصریح کرد:

دلیل اصلی مردان هم برای ازدواج سفید این است که زیر بار تعهداتی که به لحاظ قانونی و عرفی تحمیل می‌شود، نروند و در عین حال یک زندگی باثبات داشته باشند. این روزها به دلیل اینکه در تهران زندگی‌های تک نفره بسیار باب شده است، چه آن‌هایی که از خانواده‌ها جدا می‌شوند و چه آن‌هایی که از شهرستان برای تحصیل، کار یا هر انگیزه دیگری به تهران آمده‌اند، تمایل دارند با یک پارتنر زندگی کنند چون به تنهایی نمی‌توانند از پس زندگی بر بیایند.

این روانشناس در خصوص آسیب‌های ازدواج سفید گفت:

استدلال اولیه ازدواج سفید در کشورهای غربی این بود که همان‌طور که دوران نامزدی را سپری می‌کنیم یک مدتی هم زیر یک سقف با هم زندگی کنیم و ببینیم آیا روحیات و سبک زندگی با همدیگر همخوانی دارد که پس از آن زندگی مشترک را تشکیل دهیم. مطالعات در آنجا نشان داد که ازدواج سفید هیچ تأثیری در قوام بخشی و کاهش خطر فروپاشی زندگی یا کاهش اختلافات بین زوجین ندارد و تنها حسنی که می‌تواند داشته باشد، این است که در دوره ازدواج سفید مرد بیشتر به همسرش توجه دارد تا در ازدواج رسمی این در حالی است که ازدواج سفید در کشورهای غربی از نظر قانونی به عنوان یک ازدواج مطرح می‌شود یعنی اگر بتوانند اثبات کنند که با یکدیگر زندگی می‌کردند، قانون از دو طرف حمایت می‌کند. در کشور ما به دلیل اینکه اولاً این کار غیرقانونی است، امکان حمایت قانونی وجود ندارد. ثانیاً غیرعرفی است یعنی در جامعه ما به عنوان یک امر متعارف هنوز جا نیفتاده است و نتیجه‌اش این می‌شود که عمدتاً با شکست روبرو می‌شود و اگر خانم‌ها در این میان دچار مشکل شوند، لطمه‌های سنگین روحی، روانی، عاطفی، اجتماعی و اقتصادی می‌بینند. در ازدواج سفید طبیعتاً خانم‌ها به مراتب بیشتر از مردها ضرر می‌کنند البته اینگونه نیست که مردها هیچ ضرری نمی‌کنند اما خانم‌ها بسیار بیشتر ضرر می‌کنند چون فرصت‌ها را از دست داده‌اند و یک دلبستگی‌هایی به لحاظ عاطفی و اقتصادی پیدا کرده بودند.

شریفی یزدی تأکید کرد:

سبک‌های تشکیل خانواده در مغرب زمین متنوع است. ازدواج سفید در کشورهای غربی به رغم اینکه در جایی ثبت نمی‌شود اما قانون کاملاً حمایت می‌کند. در کشورهای غربی دو نفر برای یک مدت کوتاه یا بلند زیر یک سقف با هم زندگی می‌کنند حتی فرزندآوری دارند و برخی از آن‌ها پس از اینکه صاحب چند فرزند شدند ازدواج خود را ثبت می‌کنند.

وی با بیان اینکه در غرب حمایت قانونی از ازدواج سفید وجود دارد و شناسنامه صادر می‌شود گفت:

همچنین اگر قرار باشد، یکی از طرفین اقامه دعوا در دادگاه داشته باشد و بر اساس اسناد متقن بتواند اثبات کند که با یکدیگر زندگی کرده‌اند قانون حقوق هر دو را بر اساس یک رابطه متعارف در نظر می‌گیرد. اما در کشور ما عکس این موضوع را داریم و اگر قانون بخواهد پیگیری کند و در جایی خبردار شود که دو نفر بدون هیچ ارتباط شرعی و قانونی با یکدیگر زندگی می‌کنند، می‌تواند مورد پیگرد قرار گیرد.

برچسب‌ها: [آسیب‌های اجتماعی](#) [1]

[فرهنگ](#) [2]

[فقر](#) [3]